روایتی از یک زندگی کارگری

پشت فرمان اتومبیل، دلم لک می‌زند برای کار فنی

نسرین هزاره مقدم

این روایتی از زندگی کارگری است که بعد از مدت‌ها طلب حقوق خود، مجبور می‌شود کار را رها کند و راننده یک تاکسی شود. او از دوندگی‌های خود برای دفاع از حق می‌گوید.

نامه استعفا را می‌گذارد روی میز و در را به آرامی می‌بندد و بیرون می‌رود، دیگر پشت سرش را هم نگاه نمی‌کند. سال‌ها جنگیدن برای کمترین حقوق، برای بدیهی‌ترین و ساده‌ترین چیزها امانش را بریده و دیگر نمی‌تواند ادامه دهد؛ نمی‌خواهد که ادامه دهد.

علی از آن روز به بعد دنبال مسافرکشی می‌رود، جابه‌جایی مسافر از بیرجند تا سربیشه، از قائن تا بیرجند و برعکس؛ مسافر بردن و آوردن آن هم با یک تاکسی اجاره‌ای. زندگی علی، مثل یک قوس منحنی‌ست، مثل یک دایره ناتمام: کارگر تکنسینی که راننده تاکسی شد!

از برچسب تا تلاش!

حالا طعم آزادی را خیلی بیشتر از قبل مزمزه می‌کند، نفس می‌کشد در هوایی که مال خودش است و دیگر نمی‌ترسد از اینکه باز هم او را سر بدوانند: «در این هشت سال، تنها مزیتی که زندگی‌ام داشته، «آزادی» بوده. بار سنگین حق‌خواهی دیگر روی دوشم نیست. سال ۷۶ در یک شرکت صنعتی بزرگ در بیرجند استخدام شدم. از اولین نیروهایی بودم که آموزش‌های لازم برای راه‌اندازی کارخانه را دیده بودم. بعد از بارداری همسرم که پزشک برایش استراحت مطلق تجویز کرد، دیگر نمی‌توانستم شیفت شب در کارخانه باشم. همکاران نزدیکم هم همکاری نکردند. بالاخره بعد از مدت‌ها کش و قوس با مدیر مستقیم، تصمیم گرفتم موضوع را با مدیرعامل در میان بگذارم. تا فهمیدند می‌خواهم با مدیرعامل صحبت کنم، یک داستان درست کردند و مرا به کارگزینی معرفی کردند؛ یعنی از رده تکنیسین برو به کارگر صفر! بعد از آن من به یک کارگر صفر تولید تبدیل شدم با کلی کاهش در حقوق و مزایا و امکانات... بعد از آن آن‌قدر مشکل اعصاب پیدا کردم که به پزشک متخصص مراجعه داشتم. بعد فرزندهای دوقلویم چند ماه پس از تولد، به‌دلیل مشکل ژنتیکی فوت کردند. دیگر دنیا روی سرم آوار شده بود و به بن‌بست خورده بودم. وقتی سرپرست قسمت با من همکاری نکرد تا مجبور شدم چندین پله تنزل شغلی پیدا کنم، به هم ریختم. در رده صفر نمی‌توانستم خودم را با موقعیت شغلی تطبیق دهم. یک نفر آمد به من گفت به تو برچسب خورده ولی اگر خوب کار کنی و خودت را ثابت کنی، باز هم پیشرفت خواهی کرد. این حرف برای من الهام‌بخش شد. باز شروع به کار کردم؛ کار شدید، در حدی که کاری را که نفر قبل من در ۲۴ ساعت انجام می‌داد، بعد ۶ ماه در ۸ ساعت و بعد دو سال در ۴ ساعت انجام دادم؛ یعنی روزانه کلی سود برای کارخانه داشتم. برچسب‌ها از من پاک شد اما باز هم حاضر نشدند حق مرا به من بازگردانند...».

یکی از دوستان مرا به عنوان نماینده کارگر در هیأت حل اختلاف استان خراسان جنوبی معرفی کرد. معرفی کردن همان و گارد گرفتن شرکت علیه من همان! دیگر بعد از آن هر چه کار می‌کردم، فایده نداشت

اثبات توانایی، برای علی راه به جایی نمی‌برد: «فهمیدم که اینها می‌دانند کار من درست است اما نمی‌خواهند اعتراف کنند که من پررو نشوم یا کارگر جماعت پررو نشود. به هر حال رفتم خانه کارگر و اداره کار و پیگیر مسائل شدم. گفتم اگر من مشکل داشته باشم، مهندس سرپرست من را پایین می‌کشاند یا اخراج می‌کرد اما اگر مهندس با من مشکل و عداوت شخصی داشته باشد، چه کسی به داد من می‌رسد. اینکه سیستم عادلانه نیست، یک نوع دیکتاتوری است! من که قبل از راه‌اندازی کارخانه استخدام شده بودم و براساس مدرک تحصیلی و توانمندی از همه ارشدتر بودم باید زیردست کسی که سه درجه از من پایین‌تر است، کار می‌کردم. این برایم سنگین تمام می‌شد. در نهایت رفتم خانه کارگر و اداره کار به دنبال حق خودم، گفتم قاعدتاً باید تشکیلاتی باشد برای من کارگر و باید بتوانیم یک تشکل در کارخانه داشته باشیم. یکی از دوستان مرا به عنوان نماینده کارگر در هیأت حل اختلاف استان خراسان جنوبی معرفی کرد. معرفی کردن همان و گارد گرفتن شرکت علیه من همان! دیگر بعد از آن هر چه کار می‌کردم، فایده نداشت. همیشه مرا به عنوان بدترین نیروهای شرکت معرفی می‌کردند. جوری اعتبارم را بین همکاران پایین آوردند که دیگر مرا از چشم کارگرها هم انداختند».

شکایتی که کلید خورد!

آن‌قدر تخریب‌ها ادامه می‌یابد که دیگر به تعدادانگشتان یک دست، کسی به‌علی اعتماد ندارد: «عملکرد و بهره‌وری من اثبات کرد که این برچسب‌ها واهی‌ست. همزمان در خانه کارگر و اداره کار تبدیل شدم به یک «فعال کارگری» و دنبال مشکلات همه کارگران استان افتادم. با عوض شدن مدیرعامل شرکت و بعد از کلی صحبت و دوندگی، مدیرعامل جدید مرا به پست و شغلی معادل شغل اولم برگرداند اما مزایای این پست را به من ندادند. باید گروه شغلی تکنسین‌هایی مثل من براساس طرح طبقه‌بندی ۱۱ یا ۱۲ می‌شد. آنها طرح درست و خوب را به اداره کار داده بودند اما در کارخانه یک طرح صوری اجرا می‌کردند. طرح وزارت کار خوب بود اما طرح داخل کارخانه، صوری بود که آن موقع در سال ۸۵ حقوق‌مان ۱۰۰ هزار تومان کمتر از آن چیزی بود که باید می‌دادند. من به‌عنوان اولین نفر، شکایت از کارفرما را کلید زدم، آن هم در شرایطی که در کارخانه شورا نداشتیم و همکاران هم همگی، از مدیرعامل و ساختار غیردموکراتیک کارخانه واهمه داشتند. آقایان کارفرما خیلی راحت می‌گفتند می‌توانی با این شرایط کار کنی کار کن و گرنه خداحافظ! هر کس را هم شرکت اراده کرد که اخراج کند، به جز دو نفر که خانه کارگر کمک کرد و ایلنا هم گزارش نوشت، دیگر برنگشتند سر کار. در این شرایط، تنها رفتم برای شکایت. گفتم اگر به من این مزایا را بدهند، راه برای بغل‌دستی من هم باز می‌شود. خواستم این حق‌طلبی (طرح شکایت) و نپذیرفتن بی‌عدالتی و بی‌قانونی یک رویه شود در کارخانه. علی‌القاعده وقتی من بروم اداره کار و اداره کار حکم بدهد، ترس نفر بعد هم می‌ریزد. در نهایت، من از اداره کار به نفع خودم حکم گرفتم اما شرکت حکم را اجرا نکرد...». از اینجای داستان، کار وارد فاز ناعادلانه‌تری می‌شود: «شروع کردند روی اعصابم راه رفتن. مثلا یک آدم پایین‌تر از من چپ‌وراست به من گیر می‌داد. برای عدم اجرای حکم، هزار تا سفسطه و داستان ردیف می‌کردند. شورا و تشکل هم نداشتیم. پیگیر شوراشدیم، من و دو نفر دیگر از همکارانم. آن دو نفر را شرکت اخراج کرد، حکم بازگشت به کار گرفتند اما شرکت آنها را دو سال تمام راه نداد. بعد از پیگیری و گزارش‌هایی که در خبرگزاری کار منتشر شد، آن دو نفر را باز گرداندند سر کار اما مرا به کمیته انضباطی کشاندند. من آنجا گفتم در این ۱۲ سالی که در کارخانه بودم آیا یک‌بار مدیر بالادستی از کار من، ایراد فنی گرفته است؟ آیا یک‌بار کم‌کاری کرده‌ام؟! بازگشتم سر کار اما باز هم مشکلات و آزارها شروع شد.

بارها به من گفته بودند چقدر به تو بپردازیم از کارخانه بروی. هر بار قبول نمی‌کردم و می‌گفتم کارم را دوست دارم و نمی‌روم اما آن‌قدر من را زیر منگنه و تنگنا قرار دادند که خودم با دست خودم استعفا دادم

خودشان هم می‌دانستند مشکل از جای دیگری‌ست، از اینکه من دنبال حق رفته بودم، ناراضی بودند...».

علی سال‌ها دنبال حق خود و همکارانش بوده اما هر بار یک مساله و چالش: «هر بار می‌گفتم حق من کو، چرا حکم اداره کار را اجرا نمی‌کنید. می‌گفتند شرکت بغل‌دستی شش ماه است حقوق نداده. آخر این هم شد استدلال! چند برنامه برای برچسب چسباندن به من پیاده کردند. بارها مجبور به دفاع از خود و اثبات درستکاری شدم. شرایط کاری را برای من روزبه‌روز سخت‌تر کردند. برخلاف ماده ۱۴ قانون کار من را مجبور به کار شیفتی کردند. به‌خاطر مشکلات خانوادگی نمی‌توانستم شیفت بایستم. در ساعات شیفتی که برای من می‌گذاشتند هیچ‌کس را نمی‌گذاشتند بایستد که بگویند فلانی تنها بوده و کار نکرده و به سیستم ضرر زده. آخر آن‌قدر فشار آمد که مجبور شدم خودم با دست خودم نامه استعفا بنویسم. قبل از آن بارها به من گفته بودند چقدر به تو بپردازیم از کارخانه بروی. هر بار قبول نمی‌کردم و می‌گفتم کارم را دوست دارم و نمی‌روم اما آن‌قدر من را زیر منگنه و تنگنا قرار دادند که خودم با دست خودم استعفا دادم...».

علی ۱۴ سال و سه ماه سابقه کار داشته و اگر تحمل می‌کرد سر ۲۰ سال بازنشست می‌شد اما دیگر برایش جای تحمل کردن نماند. او بیرون می‌آید و با رانندگی تاکسی زندگی را می‌گذراند. سال‌ها دوندگی برای دفاع از حق خود و دیگران، حالا یک اتومبیل استیجاری است و جاده‌های کویری اطراف بیرجند. می‌گوید: گاهی دلم برای روزهای خط تولید و کار فنی تنگ می‌شود. گاهی بغض به شدت گلویم را می‌فشارد و راه نفسم را می‌گیرد...

خبر

عضو شورای عالی کار:

کارگران با سابقه نباید حداقل بگیر باشند

عضو شورای عالی کار با اشاره به اثرگذاری سوابق کار در میزان دستمزد گفت: هر ساله علاوه بر تعیین حداقل دستمزد مبلغی به عنوان پایه سنواتی تعیین می‌شود که این مبلغ در سال‌های بعد حذف نمی‌شود و همگام با افزایش مزد به آن اضافه می‌شود.

علی خدایی در گفت‌وگو با تسنیم گفت: مزد کارگران براساس سابقه کار است. «پایه سنوات» عبارتست از مبلغی که به صورت ماهیانه یا سالیانه به حداقل حقوق کارگرانی که بیش از یک سال مربوط به کار باشند، اعطا می‌شود. این مبلغ از طرف شورای عالی کار و به عنوان جبران کمبود حقوق به کارگران با حداقل دستمزد داده می‌شود. بنابراین اگر کارگری ۱۰ سال سابقه کار دارد، هنگام افزایش دستمزد ۹۸، پایه سنواتی به دستمزد سال گذشته‌اش اضافه می‌شود نه اینکه به حداقل دستمزد افزوده شود. همین باعث می‌شود که کارگری که دارای سابقه کاری است حقوقش با حداقل دستمزد فاصله داشته باشد.

خدایی با بیان اینکه اگر کارگری با ۱۰ سال سابقه کار حداقل حقوق را دریافت می‌کند، می‌تواند به هیأت‌های حل اختلاف و ادارات روابط کار مراجعه کند، افزود: بدون شک کارگری که دارای ۱۰ سال سابقه کار است نباید مطابق کارگری که یک ماه سابقه کار دارد حقوق دریافت کند.

وی با بیان اینکه بخش عمده‌ای از شکایاتی که در هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف مطرح می‌شود مربوط به مطالبات معوق و اخراج کارگر است، ادامه داد: عدم امنیت شغلی موجب شده تا بازگشت به کار برای کارگران ممکن نشود.

عضو شورای عالی کار معتقد است به دلیل نبود امنیت شغلی و نامساعد بودن وضعیت بازار، برخی از کارفرمایان به اسم اتمام قرارداد کار، نیروهای خود را اخراج می‌کنند تا دیگر کلمه اخراج مطرح نشود.

عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار بیان کرد: وقتی کارفرما نیروی کارش را به جای اخراج به اسم اتمام قرارداد بیرون می‌کند، کارگر هم نمی‌تواند برای بازگشت به کار شکایت کند و پس از آن ناچار می‌شود به دنبال بیمه بیکاری و حقوق و سنواتش باشد.

خدایی، امنیت شغلی را مهمترین دغدغه کارگران دانست و گفت: در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد قراردادهای کارگران موقت است. نبود امنیت شغلی به بازار کار و کارگر لطمه می‌زند. اگر کارگری که بیکار می‌شود خیالش آسوده باشد که حداقل‌های زندگی او تأمین است شاید دغدغه امنیت شغلی نداشته باشد ولی متاسفانه بخشی از کارگران که از قشر ضعیف و محروم جامعه هستند از عهده تامین همان حداقل‌های زندگی هم برنمی‌آیند.

عضو شورای عالی کار اظهار داشت: بازار کار از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و باید مشکلات کارفرمایان را هم بپذیریم، با این حال، کارفرمایانی هستند که در شرایط موجود ایستادگی کرده و با وجود افزایش هزینه‌های تولید، نیروی کارشان را حفظ می‌کنند. کارفرمایان نباید از تمدید قرارداد به عنوان اهرمی برای بهره‌کشی بیشتر از نیروی کار استفاده کنند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داد:

پرداخت بخشی از بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی در آینده نزدیک

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از پرداخت بخشی از بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی از طریق تهاتر در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

محمد شریعتمداری در گفت‌وگو با مهر گفت: دولت در قبال پرداخت ۳ درصد حق بیمه سهم خود به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و این بدهی سال‌هاست که روی هم انباشته شده است.

وی تاکید کرد: بر همین اساس برای پرداخت بخشی از این بدهی‌ها در بودجه سال ۹۸ با تصویب نمایندگان مجلس مصوب شد ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌ها پرداخت شود.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد نحوه پرداخت ۵۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی گفت: پرداخت این مبلغ از بدهی‌ها با توجه به شرایط دولت از طریق سازوکارهای مختلف به‌ویژه تهاتر انجام می‌شود.

شریعتمداری افزود: رایزنی‌های لازم در این خصوص با دولت انجام شده و قرار است در آینده نزدیک این تهاتر انجام شود.

وی گفت: در سال جاری ضمانت لازم برای پرداخت بدهی‌ها انجام شده است و این گونه نیست که دولت به تکلیف خود عمل نکند.

اخبار کارگری

حقوق معوق کارکنان پیمانکار راه‌آهن خراسان پرداخت شد

سرپرست اداره کل راه‌آهن خراسان گفت: یک ماه حقوق معوق کارکنان پیمانکار شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) این اداره کل پرداخت شد.

مصطفی نصیری در گفت‌وگو با ایرنا، شمار کارکنان شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) خراسان را ۴۶۰ نفر ذکر و بیان کرد: پیش از این در خصوص پرداخت مطالبات معوق این کارکنان بخش تراورس رایزنی لازم صورت گرفته بود.

شورای حقوق و دستمزد قالی‌بافان تشکیل می‌شود

رئیس مرکز ملی فرش ایران گفت: شناسنامه‌دار کردن فرش دستباف ایران در دستور کار قرار دارد.

به گزارش روابط عمومی مرکز ملی فرش ایران، فرشته دستپاک گفت: با ثبت جهانی فرش دستباف خراسان شمالی، ارتقای کیفیت و بازاریابی مناسب آن می‌توان شرایط حضور آن در بازارهای جهانی را مهیا کرد.

وی با اشاره به اینکه بیش از ۶۰۰ هزار نفر بافنده بیمه‌شده در کشور داریم، افزود: خراسان شمالی، ظرفیت راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی فرش را دارد.

رئیس مرکز ملی فرش ایران با اشاره به عدم کفاف دستمزد قالی‌بافان برای امرار معاش گفت: شورای حقوق و دستمزد برای قالی‌بافان به‌صورت منطقه‌ای و کشوری امسال تشکیل می‌شود.

وی با اشاره به تأمین اعتبار ۱۹ هزار میلیارد ریالی برای بیمه قالی‌بافان کشور گفت: این اعتبارات از سرفصل هدفمندسازی یارانه‌ها در نظر گرفته‌شده و هیچ قالی‌بافی در سال ۹۸ بدون بیمه نخواهد ماند

وی به مسئولان استان خراسان شمالی پیشنهاد داد تا سه خانه فرش در شهرستان‌های بجنورد، اسفراین و شیروان جهت حمایت از تشکل‌های قالی‌بافان ایجاد شود.

مهمانداران شرکت «ماربین» یک و نیم ماه مزد طلبکارند

مهمانداران شرکت ماربین از تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی خود خبر می‌دهند. در همین زمینه قائم‌مقام مدیرعامل این شرکت می‌گوید: با پرداخت صورت وضعیت‌های مالی شرکت، به زودی همه مطالبات مزدی کارگران مهماندار پرداخت می‌شود.

به گزارش ایلنا، مهمانداران که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «ماربین» مشغول‌اند، یک ونیم ماه از کارفرما طلبکارند. به گفته این کارگران که از ۴ تا ۱۵ سال دارای سابقه کار هستند، معوقات حقوقی حدود ۳۵۰ نیروی کار این شرکت خدماتی در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال جاری به تعویق افتاده است.

این کارگران که در محور ریلی اهواز، ساری، گرگان، بندرعباس، اصفهان و شیراز فعالیت می‌کنند، پرداخت مابقی معوقات مزدی خود را برای تامین معاش در شرایط اقتصادی کنونی ضروری دانسته و اضافه کردند: امیدواریم کارفرما با همراهی مسئولان شرکت رجا بتوانند مابقی مطالبات قانونی ما را پرداخت کنند.

در این رابطه سیدتقی ابراهیم‌نژاد، قائم‌مقام مدیرعامل شرکت ماربین گفت: با پرداخت صورت وضعیت‌های مالی شرکت به زودی همه مطالبات مزدی کارگران مهماندار پرداخت می‌شود.

به گفته وی، شرکت ماربین همه مطالبات مربوط به سال ۹۷ مهمانداران را پرداخت کرده و در سال جاری نیز حدود ۷۰ درصد از حقوق فروردین ماه را با اعمال افزایش مزد سالانه پرداخت کرده است.

طبق اظهارات ابراهیم‌نژاد، باتوجه به اهمیت موضوع، شرکت در حال پیگیری پرداخت الباقی حقوق فروردین و حقوق کامل اردیبهشت ماه است. وی اظهار امیدواری کرد این مطالبات با تامین منابع مالی از سوی شرکت راه‌آهن رجا طی چند روز آینده پرداخت شود.